

درخواست از قوه‌قضائیه
برای پاسداری از حقوق کودکان

ضرورت بازنگری در مجازات‌های جایگزین

انجمن حمایت از حقوق کودکان در نامه‌ای به غلامحسین محسنی اژه‌ای، رئیس قوه‌قضائیه، از او خواسته که درباره سیاست‌های ناظر بر مجازات‌های جایگزین حبس، بازنگری فوری و تخصصی کند. در این نامه آمده است: «انجمن حمایت از حقوق کودکان، به‌عنوان نهادی مدنی که همواره رسالت خود را پاسداری و حمایت از حقوق و منافع عالیه کودکان و نوجوانان می‌داند، پیرو انتشار گزارش‌ها و اخبار متعدد در رسانه‌ها و فضای عمومی کشور که حکایت از صدور برخی احکام قضایی مبنی بر محکومیت مرتکبین جرائم، از جمله جرائم با ماهیت جنسی، به انجام خدمات عمومی اجباری در مراکز نگهداری از افراد توانخواه و دارای معلولیت را دارد، به این وسیله مراتب نگرانی عمیق خود را از تبعات این رویه ابراز داشته و ضرورت بازنگری فوری و تخصصی در این بخش از سیاست‌های ناظر بر مجازات‌های جایگزین حبس را معروض می‌دارد.» در ادامه این نامه آمده است:

«در حالی که توسعه هفتمند و اصولی مجازات‌های جایگزین حبس، به‌عنوان یکی از راهکارهای نوین حقوق کیفری در راستای کاهش جمعیت زندان‌ها و تلاش برای اصلاح و بازاجتماعی کردن مجرمان، امری قابل تقدیر و همسو با سیاست‌های کلی قضایی است، لکن تعیین مراکز نگهداری از افراد دارای معلولیت و به تبع آن کودکان دارای معلولیت که ممکن است در این مراکز مقیم بوده یا خدمات دریافت کنند، به‌عنوان محل اجرای خدمات اجباری برای مجرمان، به‌ویژه افرادی با سابقه جرائم خشن یا جنسی، پرسش‌ها و نگرانی‌های جدی را ایجاد می‌کند.» بنابر اعلام انجمن حمایت از حقوق کودکان، مراکز حمایتی و توانبخشی را که باید مأمین آرامش و کرامت این عزیزان باشد، در نگاه عمومی و حتی برای خود مجرم، به مکانی با کارکرد تنبیهی تقلیل می‌دهد. این امر با کرامت ذاتی انسان که در اصول متعدد قانون اساسی و مفاد کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت مورد تأکید قرار گرفته، همچنین مفاد قانون حمایت از حقوق معلولان مصوب ۱۳۹۶ که بر لزوم فراهم کردن محیط امن و بدون تبعیض تأکید دارد، مغایرت دارد. مهم‌تر آنکه، این رویه، امنیت روانی و جسمانی ساکنان این مراکز را که به‌دلیل شرایط خاص خود دارای آسیب‌پذیری مضاعف هستند، در معرض خطر جدی قرار می‌دهد؛ خطری که ماده ۱۶ کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت صراحتاً به پیشگیری از آن ملزم می‌کند.

در این نامه آمده است: «همچنین قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ و پیمان نامه حقوق کودک به رعایت مصالح عالیه کودک در اخذ تمام تصمیمات و حمایت در برابر تمام اشکال آزار و سوءاستفاده تأکید داشته و تکالیف مشخصی را در راستای تضمین حداکثری امنیت و سلامت جسمی و روانی کودکان مقرر داشته است. حضور افرادی با پیشینه کیفری در زمینه جرائم جنسی، در محیط‌هایی که کودکان، اعم از کودکان دارای معلولیت ساکن یا دریافت‌کننده خدمات حضور دارند؛ به‌طور مستقیم حق بر محیط امن و حمایت مؤثر ایشان را نقض کرده و با حقوق کودکان و سیاست‌های حمایتی در قبال آنان، مغایرت دارد. یکی از ارکان اساسی در تعیین و اجرای مجازات‌های جایگزین حبس، انجام ارزیابی دقیق ریسک تکرار جرم و حصول اطمینان از عدم ایجاد خطر برای جامعه توسط مجرم در طول دوره اجرای مجازات است. به‌کارگیری مجرمان جرائم جنسی در محیط‌هایی با دسترسی آسان به افراد به‌شدت آسیب‌پذیر، بدون سازوکارهای نظارتی دقیق و تخصصی، می‌تواند با اصول پیشگیری از جرم در تضاد قرار گیرد.»

انجمن حمایت از حقوق کودکان پیشنهاد کرده است که برای اصلاح رویه فعلی و رفع نگرانی‌های جدی ایجادشده، این اقدامات، مورد توجه ویژه قرار گیرد:

■ نسبت به صدور دستورالعمل یا بخشنامه‌ای فوری به تمام مراجع قضایی، مبنی بر ضرورت توقف یا تجدیدنظر در احکام صادره‌ای که مجرمان جرائم خشن یا جنسی را به خدمت در مراکز نگهداری از افراد دارای معلولیت محکوم کرده و ممنوعیت صدور چنین احکامی در آینده تازمان تدقیق و اصلاح سیاست‌های مربوطه، اقدامات مقتضی صورت گیرد.

■ تعیین حوزه‌ها و زمینه‌های مشخص و فاقد ارتباط با گروه‌های آسیب‌پذیر نظیر فعالیت‌های محیط‌زیستی، خدمات شهری و سایر امور عام‌المنفعه به‌عنوان محل اجرای خدمات عمومی رایگان، به‌گونه‌ای که نتایج اهداف مجازات‌های جایگزین حبس برآورده شود، بلکه شأن و کرامت افراد و مراکز حمایتی نیز رعایت شود.

■ برگزاری جلسات هم‌اندیشی متشکل از نمایندگان محترم قوه‌قضائیه، سازمان بهزیستی کشور و نهادهای مدنی و متخصصان حقوق جزا و جرم‌شناسی به‌منظور بازنگری جامع و تخصصی در ضوابط مربوط به مجازات‌های جایگزین حبس و تعیین دقیق شاخص‌ها و ملاک‌هایی که از هرگونه آسیب احتمالی به گروه‌های در معرض خطر پیشگیری کند.

عکس: ایرنا

بررسی نتایج اجرای آیین‌نامه اجرایی لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری که موجب تشدید فشارها بر وکلا به دلیل اظهارنظرهای مجازی آنها شده است

۱۸ وکیل درگیر پرونده قضایی



سارا سبزی

خبرنگار گروه جامعه

۲۳ فروردین‌ماه امسال خبر صدور حکم اولیه برای ۱۵ وکیل دادگستری در مشهد، جامعه حقوقدانان را بهت‌زده کرد. این اولین‌بار است که تعداد زیادی از وکلا در یک پرونده مشترک با اتهاماتی مشابه روبه‌رو می‌شوند و در مسیری قرار می‌گیرند که پیش از این سابقه نداشته است. شروع پرونده وکلای مشهد به اسفندماه سال ۱۴۰۲ برمی‌گردد که طبق آن علیه ۱۷ نفر از وکلای دادگستری در مشهد پرونده‌ای تشکیل و منجر به صدور قرار جلب به دادرسی می‌شود و در نهایت برای ۱۵ نفر از آنها کیفرخواست صادر می‌شود. همه این وکلای وکیل نقطه اشتراک دارند و آن هم اظهارنظر درباره نحوه اجرای حکم محمد قبادلو که حکم اعدامش روز سوم بهمن‌ماه سال ۱۴۰۲ اجرا شد. حالا بعد از یک‌سال رسیدگی به این پرونده، حکم بدوی برای ۱۲ وکیل صادر شده، یک‌نفر از آنها موقوفی تعقیب گرفته و دو نفر نیز با تشدید اتهام روبه‌رو شده‌اند.

حقوقدانان بسیاری اعتقاد دارند که بعد از سال ۱۴۰۱ نظارت بر وکلای دادگستری افزایش یافته است؛ به‌ویژه بر رفتار مجازی آنها. نمونه آن تشکیل پرونده‌های قضایی و حتی بازداشت آنها در همان بازه زمانی بود که به‌واسطه عفو عمومی با بخشش روبه‌رو شدند، با این حال همچنان تشکیل پرونده و نظارت‌ها ادامه دارد. بررسی‌های هم‌میهن نشان می‌دهد، غیر از ۱۴ وکیل در مشهد که پرونده‌شان در مرحله رسیدگی است، چهار وکیل دیگر در سایر شهرها در حال گذراندن دوران حبسند و در مجموع حالا ۱۸ وکیل در سراسر کشور یا درگیر احکام اولیه‌اند یا دوران محکومیت خود را می‌گذرانند.

محمدهادی جعفرپور، وکیل دادگستری، بنا بر آمارهای ثبت‌شده در کارگروه وکلای در معرض خطر اتحادیه سراسری کانون‌های وکلا ایران، تعداد وکلای درگیر در پرونده‌های قضایی را همین ۱۸ نفر اعلام می‌کند و می‌گوید عنایت الله کراماتی، سحر دشتی، کاظم چزگی، مهدی محمدحسینیان، سجاد جوادی، بهاره بذرگر، میترا ایزدی‌فر، روح‌الله حسینی، فائزه سیدی، فرزانه صفری، امین شهلا، محمدرضا یزدانی، علی‌اصغر دشتی و سیدجعفر ساغروانیان وکلایی‌اند که در جریان پرونده اخیر در مشهد با احکامی روبه‌رو شدند. غیر از آنها هم وکلای دیگر یعنی طاهر نقوی، محمدرضا فقیهی و محمدرضا نجفی در حال تحمل پنج سال حبس‌اند، همچنین بهنام نژادی به چهار ماه حبس محکوم شده و به‌تازگی به مرخصی آمده است. خسرو علیکردی و جواد علیکردی جزو وکلای زندانی بودند که به‌تازگی آزاد شده‌اند. او می‌گوید، به موازات حوادث و اعتراضات سال ۱۴۰۱، برای بیش از ۸۰ وکیل دادگستری در سراسر ایران پرونده امنیتی و سیاسی در دادرهای عمومی و انقلاب ثبت شد که پس از عفو رهبری با قرار موقوفی تعقیب بسته شدند و آنطور که برخی از وکلای محکوم در مشهد می‌گویند، مستندات پرونده آنها مربوط به همان سال است: «پیرو انتشار خبر محکومیت ۱۲ وکیل دادگستری در شعبه ۵ دادگاه انقلاب، آنچه لازم است از سوی مقامات عالی دستگاه قضا بررسی شود، توجه نکردن به حکم عفو رهبری درباره پرونده‌های مربوط به اعتراضات سال

۱۴۰۱ است. پیش از نقد و بررسی مفاد اتهامات انتسابی به وکلای مذکور، نکته قابل تأمل آنجاست که پس از اعلام عفو رهبری بازپرس رسیدگی‌کننده به پرونده، اقدام به صدور قرار موقوفی تعقیب می‌کند که به این قرار از سوی دادستان اعتراض می‌شود و همین امر سبب به جریان افتادن پرونده اتهامی ۱۲ وکیل می‌شود. این تصمیم در شرایطی رخ داده است که بنابر مستندات موجود و اظهارات وکلا، تمام ادله و مدارکی که علیه آنها اقامه شده، مربوط به بازه زمانی ۱۴۰۱ بوده که به موجب دستور رهبری باید تمام این پرونده‌ها با قرار موقوفی تعقیب مخومه شود.»

کانون وکلای دادگستری خراسان در واکنش به صدور این احکام بدوی، در بیانیه‌ای اعلام کرده است: «خبر مربوط به صدور محکومیت غیرقطعی تعدادی از وکلای دادگستری در دادگاه انقلاب اسلامی شهر مشهد، موجب نگرانی عمیق جامعه حقوقدان به‌ویژه وکلای دادگستری شده است. کانون وکلای دادگستری خراسان ضمن تأکید بر اجرای قوانین و مقررات توسط اشخاص، نهادها و مراجع ذی‌صلاح امید دارد تا با اجتناب از اعمال سلیقه در مواجهه با اظهار عقیده و نقد وکلای دادگستری در مقام عمل به رسالت و وظیفه حرفه‌ای و اجتماعی‌شان، شاهد اتخاذ تصمیمی عادلانه با دیدگاهی منعطف و در چارچوب قوانین و مقررات در ادامه روند محاکماتی وکلای دادگستری باشد.»

حالا حسین پایلاخی، یکی از وکلای این ۱۴ وکیل مشهدی توضیح می‌دهد که تحلیل رأی آنها، نشان می‌دهد که آراء متکی بر موازین حقوقی و تعریف قانون‌گذار از ماده ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی نیست. او به «هم‌میهن» می‌گوید که آنچه در رأی مشهود است، یک نوع سلیقه سیاسی است که بر وجه حقوقی آن غلبه می‌کند: «طبق آخرین جلسه‌ای که با همکاران کانون وکلای خراسان داشتیم تا الان تجدیدنظرخواهی ۹ نفر از این وکلا قطعی است. حتی کسانی که احکامی خفیف‌تر و تبدیل به جرائم نقدی دارند هم تأکید می‌کنند عملی که انجام داده‌اند، جرم نیست و اصرار به تجدیدنظرخواهی دارند. تا ۱۳ اردیبهشت‌ماه هم فرصت ثبت لوائح وجود دارد.» عمده اتهامات این وکلا مربوط به فعالیت آنها در فضای مجازی است و آنطور که پایلاخی توضیح می‌دهد، صدور احکام بر مبنای فعالیت مجازی وکلا سابقه نداشته است: «ما در سال ۱۴۰۱ مواردی از تفهیم اتهام به‌دلیل فعالیت وکلا در فضای مجازی داشتیم که با عفو رهبری در دی‌ماه ۱۴۰۱ پرونده آنها هم بسته شد، با این حال نظارت بر فعالیت فضای مجازی وکلا در عمل از همان سال آغاز شد. تصور می‌کنم آیین‌نامه اجرایی لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری پیش‌بینی‌هایی درباره فعالیت وکلا در فضای مجازی داشته است و با تحولات سال ۱۴۰۱ این مسئله پررنگ شد.»

اشاره پایلاخی به آیین‌نامه موضوع استقلال کانون وکلاست که لایحه پیشنهادی آن در سال ۱۴۰۰ مطرح و تغییراتی در آن ایجاد شد که اعتراضات زیادی هم به دنبال داشت و کانون‌های وکلای دادگستری آن را اجرا نمی‌کردند اما سرانجام از سال ۱۴۰۱ اجرا شد. او می‌گوید، در این آیین‌نامه موادی وجود دارد که طبق آن اظهارنظر و فعالیت‌های سیاسی و مجازی وکلا می‌تواند تخلف در نظر گرفته شود: «همه این ۱۷ وکیل یک نقطه مشترک دارند و آن هم، طرح اظهاراتی درباره مرحوم قبادلو است. مبنای گزارش ابتدایی هم گفته‌های آنها

در فضای مجازی نسبت به محاکمه و اعدام آقای قبادلو بود، اما هیچ‌کدام از اظهارات همکاران ما درباره نحوه محاکمات، تبلیغ علیه نظام نیست. هیچ‌کس درباره اصل عمل مرحوم قبادلو بحثی نداشته و نگفته است که اصل موضوع یا اعدام مشکل داشته است، تمام حرف آنها این بود که چرا با این سرعت اجرا شد؟ آنها اعتقاد دارند که دادرسی یک پرونده قتل تا پنج سال هم ممکن است زمان ببرد اما در این پرونده در کمتر از سه‌ماه انجام شد. آنها گفته بودند چرا یک پرونده عادی به‌محض اینکه موضوع سلامت روان متهم مطرح می‌شود و اندک شائبه‌ای وجود داشته باشد، به پزشکی قانونی و کمیسیون‌های تخصصی ارجاع داده می‌شود. اگر وکلا مطلبی می‌گذارند، درباره همین موضوعات است که رسالت آنهاست.»

طبق ماده ۷۶ آیین‌نامه اجرایی لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری، وکلا باید از تبلیغ سوء علیه سایر وکلا، قضات و مراجع دولتی و قضایی و هرگونه تبلیغ یا اظهارنظر علیه مبنای نظام جمهوری اسلامی یا ارتکاب رفتار خلاف شرع یا قانون در فضای حقیقی یا مجازی خودداری کنند. در ماده ۱۲۴ این آیین‌نامه هم تأکید شده است که هرورکیلی مرتکب این تخلف شود، به مجازات انتظامی درجه ۴ محکوم می‌شود. تا قبل از آیین‌نامه ۱۴۰۱ هریک از مراجع نظارتی، امنیتی و قضایی اگر تخلفی از وکیل مشاهده و به کانون وکلا گزارش می‌کردند، رئیس یا دادستان انتظامی کانون، اختیار داشت که این تخلف را بنابر مصلحت و استدلال خود، به دادرسی انتظامی کانون وکلا ارجاع و تشکیل پرونده دهد. بعد از آیین‌نامه سال ۱۴۰۱، این اختیار کمی محدود شد و طبق آن اگر یکی از مراجع قضایی، نظارتی و امنیتی نسبت به تخلف یک وکیل به کانون گزارش می‌دهد و رئیس یا دادستان کانون به آن ورود نکنند، آن مرجع گزارش‌دهنده می‌تواند از طریق دادرسی عمومی انقلاب، موضوع را پیگیری کند و در دادگاه حکم به ابطال پروانه وکیل دهد. این مقررات در مواد ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰ و ۹۱ این آیین‌نامه به‌صراحت مطرح شده و مهم‌ترین اعتراض وکلا به این آیین‌نامه است. پایلاخی می‌گوید تا جایی که اطلاع دارد، غیر از برخوردهای سلبی بعد از انقلاب، چنین برخوردهایی با وکلا سابقه نداشته است: «اینکه در یک پرونده ۱۲ وکیل یک‌جا محکوم و دو همکار هم با تشدید اتهام روبه‌رو شوند، بی‌سابقه بوده است. در حال حاضر در میان این ۱۵ نفر، یک قرار موقوفی تعقیب داریم که مشمول عفو رهبری و مشخص شد که فعالیت‌هایش مربوط به نیمه دوم سال ۱۴۰۱ بوده است. از این تعداد ۱۲ نفر محکوم و دو نفر با نقص تحقیقات برای تفهیم اتهامات جدید روبه‌رو شده و در معرض تشدید اتهامات با سه اتهام دیگر قرار دارند. این موضوع در اسکوذا (اتحادیه سراسری کانون وکلای دادگستری) مطرح شده و بسیاری از اساتید گفته‌اند که این موضوع بی‌سابقه بوده است. مواردی وجود داشته که چند وکیل در پرونده‌های جداگانه با اتهاماتی روبه‌رو شوند، اما اینکه در یک پرونده با یک شماره و یک کلاس ۱۷ نفر تحت پیگرد قرار بگیرند و منجر به محکومیت ۱۴ نفر شود، سابقه نداشته است.»

تأکید وکلای درگیر در این پرونده این است که اظهارنظرهای موکلان‌شان در فضای مجازی مشمول صدور حکم بابت اتهام تبلیغ علیه نظام نیست. فائزه سیدی یکی از این وکلاست که در این پرونده به ۹ ماه و یک روز حبس تبدیل به ۶۰۰ میلیون ریال جزای نقدی (یک‌سوم جزای نقدی به مدت ۳ سال تعلیق شده) شده است و